

ولایت لهوگر

دگرگونی ستراتیژیک یک جامعه کهن

از زنده یاد مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری کمال

بخش چهارم

مرجان را که چو جان پروریدم صد رنج به راحتش کشیدم
جان دادم و مهر او خریدم عمری به سعادتش دویدم
آمد اجل و ز پیش من برد بر دیده من به خاک بسپرد



به همه حال، کوشش برای اصلاح آبیاری در لهوگر وجود نداشت، بر عکس افزایش نفوس در کابل نشان دهنده یک بازار خوب برای تولیدات زراعتی مانند جواری، کچالو، پیاز و دیگر سبزیجات، باغ های میوه و انگور باغ ها بوده و هم با همجواری با پایتخت، کابل سبب خلق نمودن کار در سکتور های دومی و سومی می گردد. به این ترتیب لهوگر نشان دهنده یک موقعیت مساعد برای انکشاف، نظر به ارتباط و همجواری بودن با پایتخت می باشد، بدون این که سبب کدام تغییر در سکتور تولیداتی زراعتی به عمل آمده باشد.

مانند شروع قرن، گشت گندم به حیث کشت اساسی و اصلی باقی ماند. در اخیر خزان، زارعین شیدر برای غذای مواشی کشت می کنند. در ماه می و جون، زمین را برای کشت جواری و برنج آماده ساخته و در ماه سپتامبر و اکتوبر تولیدات را جمع آوری می کنند.

(به قرار نیشته جیلیر اتین (Gilbert Etienne) انگور باغ ها یک ساحه محدود را احتوا می کند. و باز هم به قرار همین جیلیر اتین که مشخص می سازد، (کشت جواری در سال های 1960 میلادی و 1970 میلادی دومین کشت را بعد از گندم تشکیل می دهد.) (آدمک (Adamec) در سال های 1985 میلادی از کشت جو نیز حرف می زند، در حالیکه توسط جیلیر اتین از آن نام برده نشده است).

(Gilbert Etienne ، 1972 میلادی صفحه 174) (Adamec سال 1985 میلادی صفحه 517).

بر عکس کشت کچالو و به یک مقدار کم کشت دیگر سبزیجات در حال گسترش و توسعه می باشد، نظر به نزدیکی به کابل بالای بازار کابل نتیجه مستقیم داشته و به این ترتیب یک منبع و منشاء اساسی پول نقد برای زارعین و دهاقین می باشد. و از طرف دیگر چوب چنار از جمله تولیدات با اهمیت این ولایت بوده و بازار خوب برای کار های ساختمانی داشته و یک منبع عایداتی قابل اهمیت می باشد.

ظرفیت تولیدات به صورت غیر مساوی بین کتگوری های مختلف زارعین تقسیم گردیده است، لکن دره لهوگر به پدیده موروثی بودن مانند دیگر مناطق قلنگ (Qalang) کشور، مانند جنوب کشور ولایت قندهار دچار نمی باشد. در ولایت لهوگر کلان ترین زمین دار از ده هکتار زمین زیادتیر ندارد. یک قسمت زیاد اهالی و باشندگان این ولایت، صاحب در حدود دو هکتار زمین می باشند. «تولید کنندگان کوچک مواد زراعتی، کارگران روز مزد و دهاقین تعداد شان زیاد است».

با وجود امکانات فرستادن یک پسر فامیل برای کار کردن در شهر، فشار و وزن قرضداری قابل ملاحظه بوده، و در این چنین شرایط، اوضاع و احوال، ارتباطات بین کتگوری های فقیر و ادارات دولتی بسیار مشکل می باشد. ادارات دولتی (دیپارتمنت زراعت ولایت) در حقیقت مسؤلیت تقسیم نمودن تخم های بذری و کود کیمیاوی را دارد، ولی یک مقدار زیاد آن را برای استفاده شخصی خود دور می دهند.

دهاقین و کارگران فقیر می توانند در یک قسمت سال، ضرورت خود را از گندم رفع نموده و یک قسمت دیگر سال را، در یک موقعیت خیلی دشوار و به یک فقر حاد در زمستان دچار می شوند.

به قرار مشاهده جیلیر اتین (Gilbert Etienne)، یک دهقان با داشتن یک جوره گاو خواهد توانست که مجبوریت های اولیه خود را از نظر مواد غذایی در زمستان پوشانیده، در صورتی که تولیدات گندم را به نفع تولیدات کچالو و پیاز کم کنند. اگر توانایی این را داشته باشد که تولیدات خود را به صورت مفید و سودمند به دلیل کمبود آب، زمان بندی و تقسیم نمایند، زیرا سبزیجات نسبت به گندم به آب زیادتیر ضرورت دارند.

به این ترتیب از نظر اجتماعی - اقتصادی نمایان ساختن مکان های قلنگ ولایت، به عباره دیگر دره مرکزی و به صورت مشخص در قسمت جنوبی دره، و یک بار دیگر باید یاد آوری کرد، که قبل از جنگ به صفت ذخیره گندم پایتخت و همچنان مناطقی که به کمبود زمین و آب دچارند یاد می گردید.

در مورد وضعیت اجتماعی - اقتصادی مناطق ننگ، کوهستانات مدارک و اسناد در دست نیست، مگر به احتمال قوی این طبقه فقیر که عبارت از کارگران روز مزد زراعتی و دیگر روزمزد ها می باشند باعث ازدیاد جمعیت در مناطق هموار مانند مرکز ولایت و دره ها می گردند.

اطلاعات قومی نژادی (Ethnique)

تقسیم نمودن افراد به کتگوری های مختلف نژادی و قومی و تقسیم بندی کشور به اقوام مختلف مربوط استند به تاریخ مسکونی کردن درّه که نتیجه چندین تغییر و تحول مهاجرت ها می باشد. امروز باشندگان ولایت لهوگر را پشتون ها و تاجک ها تشکیل داده، و اکثریت باشندگان را پشتون ها تشکیل می دهند. در افغانستان کتگوری های قومی نظر به طرز تکلم نمودن شان تعریف می شوند. قبل از جنگ این ولایت سه قوم اساسی را در بر می گرفت:

اورمور ها (Ormors) که به زبان اورموری حرف می زنند، و به وسیله لسان خود یعنی اورموری تفریق می شوند، که این زبان در لهوگر در منطقه برکی برک حرف زده می شود و همچنان این زبان در کانیکرام (Kanigram) در جنوب وزیرستان، در پاکستان فعلی نیز حرف زده می شود.

